

# جان در برابر جان یا…

برای صدور چنین احکامی بلرزد، نه اینکه با طیب خاطر تصمیم بگیرند.

**قانون مجازات اسلامی وفقه سنتی**

چون در این مجال محدود، تکرار مباحث تفصیلی محاربه امکان‌پذیر نیست، اجمالا اشاره می‌کنم‌عنوان محاربه یکی از راه‌هایی است که در مواردی که یک قتل رخ داده، بتوان چند نفر را به خاطر آن یک قتل محکوم به اعدام کرد؛ درحالی‌که چنان‌که به تفصیل در جلد نخست کتاب حق حیات و همچنین در مقاله «نقد فقهی و حقوق‌بشری مجازات محارب» (روزنامه سازندگی، پنجشنبه ۸ دی ۱۴۰۱ ص یک و ۶ و ۷ تیتراول) آمده است:
اولا برخی روایات و تفاسیر دلالت دارند که آیه محاربه مربوط به جنگ است. دوم اینکه دلالت بر ارتکاب جرم در قلمرو گسترده‌ای دارد، به گونه‌ای که مصداق جنایت علیه بشریت محسوب شود. سوم؛ محاربه علیه حکومت عدل و حق باشد. چهارم؛ اخافه‌الناس باشد. پنجم؛ از نظر فقهی در محاربه اگر کسی مرتکب قتل شده باشد، حکم او اعدام والا تبعید است. ششم؛ حاکم نیز اختیار بخشیدن دارد. هفتم؛ نهایتا اینکه اساسا اینها بحث‌های مدرسه‌ای و پر از قیل و قال و اختلاف نظر است و نمی‌تواند مبنای قانونی قرار گیرد که نیازمند اجماع است. این معیارها با وضعیت گروه دوم انطباق نداشت. درباره جواز قصاص چند فرد شرکت‌کننده در قتل یک نفر نیز مشهور فقهای امامیه و اهل سنت فتوا داده‌اند «در صورت وحدت مجنی‌علیه (مقتول) و تعدد جانی (قاتل)، تمام شرکت‌کنندگان در قتل، مستحق مجازات قصاص هستند، با این تفاوت که از نظر مشهور فقهای امامیه، اولیای دم در صورت انتخاب قصاص، باید مازاد دپه هریک از قصاص‌شوندگان را به آنها پرداخت کرده، سپس همگی را قصاص کنند. در مقابل، گروهی از فقهای امامیه و نیز فقهای حنبلی، معتقد به شرط بودن مساوات در قصاص بوده، قصاص بیش از یک نفر از شریکان را در برابر قتل یک نفر، جایز نمی‌دانند» (نظری‌توکلی و نیک‌عمل، ۱۳۹۳). ماده ۳۷۳ قانون مجازات اسلامی این نظریه فقهی را به صورت قانون درآورده است.

دلایل موافقان و مخالفان بحث گسترده‌ای است که نیازی به ورود به آن نمی‌بینم و جویندگان می‌توانند در منابع آن را بیابند. در این گفتار عمدتا به بیان نظر خود می‌پردازم. روایات، عمدتا یا تضعیف شده‌اند یا حتی اگر معتبر باشند، در دما نیستند و اصل حرمت دما در قرآن و روایات معارض‌اند و می‌ماند آیات که با تفسیر و تأویل از آن جواز را استنباط کرده‌اند؛ درحالی‌که با نص و دلالت لفظی همخوانی ندارد.

۱- مبنای قانون مجازات اسلامی، فقه سنتی است؛ درحالی‌که به قول آیت‌الله خمینی (که خود مدافع جواز قصاص چند نفر در برابر یک نفر بود) فقه مصلح در حوزه‌های کافی نیست و باید متناسب با مقتضیات زمان و مکان باشد.

۱- خداوند امر می‌کند که هیچ‌کس حق سلب حیات انسان را ندارد. اگرچه به قول علامه طباطبایی در بسیاری از موارد سکوت کرده و به عقل بشر سپرده؛ اما این مورد را استثنا و استسنا و استسان را خلع ید کرده و فرموده است: «لَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ وَمَنْ قُتِلَ مَظْلُومًا فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيِهِ سُلْطَانًا فَلَا يَسْرِفُ فِي الْقَتْلِ» (اسراء: ۳۳)؛ کسی را که خداوند کشتنش را حرام کرده، نکشید. جز به حق و هرکس به ستم کشته شود، به ولی دم او سلطنت داده‌ایم؛ پس نباید در قتل زیاده‌روی کند.

۱-۱- قید الا بالحق هم منحصرا ناظر است به آنچه در خود قرآن آمده.

۲-۱- ققها از همین امر قاعده حرمت دما و نفوس را درآوردند و می‌گویند حرمت دما بر همه احکام حکومت دارد؛ اما در عمل آنچه مشاهده می‌شود، تسامح در دما است.

۳-۱- تعبیر «ولا یسرف» صراحت و دلالت بر منع زیاده‌روی و قصاص بیش

از یک نفر دارد.

۲- آیه «یا أَيُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا کَتِبَ عَلَیْکُمُ الْقِصَاصُ فی الْقَتْلِی الْحُرِّ بِالْحُرِّ وَالْعَبْدُ بِالْعَبْدِ وَالْأُنْثَى بِالْأُنْثَى» (بقره: ۱۷۸). «ای مؤمنان درباره کشته‌شدگان برای شما قصاص مقرر شد، آزاد در برابر آزاد، بنده در برابر بنده و زن در برابر زن». این آیه آشکارا از مماثلت، همانندی و برابری سخن گفته است.

۳- اگر تردیدی در مماثلت وجود داشت نیز جمله «لِلنَّفْسِ بِالنَّفْسِ» در آیه ۴۵ سوره مائده، تصریح دیگری است که رافع آن تردید است؛ هرچند برخی گفته‌اند اینجا منظور از نفس، نفس نوعی است نه عددی؛ اما با توجه به اینکه این آیه با آیه قبلی (بقره/۱۷۸) تکمیل و تفسیر می‌شود، به‌وضوح مفهوم مماثلت می‌دهد.

۴- شگفت‌آور این است که بسیاری از فقهایان رأی به جواز دادند در حالی‌که همخوانی با نص قرآن ندارد زیرا اساسا آیات قصاص برای این نازل شد که در دوران حرف از اسلام مرسوم بود چند نفر را به خاطر یک نفر و حتی قبیله‌ای را به خاطر قتل یک نفر، مجازات می‌کردند و آیات قصاص، برای نفی همین رسم نازل شده بود و شگفت است که برخی، همان رسم را تئوریزه کرده و در زمان ما هم به قانون تبدیل می‌کنند.

۸- نگهبان کله- پهنه آبی در شمال ترکیه- چله کمان

۹- زمین آماده کشت- شیرینی سنتی تبریز- نوعی گردن‌بند زنانه ۱۰- ویران‌کننده- شهر باستانی و قرمزرنگ اردن- بینایی ۱۱- نقاب- شب گذشته- ترساک ۱۲- حرف

۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱														
۲														
۳														
۴														
۵														
۶														
۷														
۸														
۹														
۱۰														
۱۱														
۱۲														
۱۳														
۱۴														
۱۵														

◆ جدول ۴۶۶۱ • طراح: بیژن گورانی

**افقی:**

۱- نوعی عقونت پوستی - جادوگر قوم بنی اسرائیل- رودی در فرانسه ۲- منجمد- مجموعه‌شعری سروده سهراب سپهری ۳- از نرم‌افزارهای پیام‌رسان تلفن همراه- آتامیدن - همدانستان رامین ۴- همسایه لهستان و اتریش- نیسکان- دانه‌های خوراکی ۵- رستگانه- روزآمد- نویسنده رمان آرزوهای بزرگ ۶- از شهدای نامی کربلا- نزدیک‌بین- زنگ‌گردن شتر ۷- پیشکش- پشت سر امام جماعت نمازگزاردن- کام ۸- رنگ- با بخت و اقبال نامساعد روبه‌روشدن- بدل ۹- نشانه جمع فارسی- گلی آپارتمانی- به صورت علنی ۱۰- درخت کریسمس- پدمرده- پرتابه جنگی ۱۱- چاپلوس- گریزان- در بیان علت به‌کار می‌رود ۱۲- شیرینی سوغات تبریز- سروصدا- آخرین یک‌رقمی ۱۳- درختی با دانه‌های روغن- از فرماندهان سپاه کبخیسروکیانی- مال کسی را به زور ضبط‌کردن ۱۴- موسیقی‌دان ایرانی واز پیشگامان آهنگ‌سازی برای ارکستر موسیقی ایرانی- جاوید زنده مانم اگر... من شوی ۱۵- حرف عطف عربی- کوکب- حمل‌ونقل نیروها به وسیله هلی‌کوپتر

**عمودی:**

۱- زندگی‌کن- ساحل گردشگری شهرستان لنگرود- روزنامه چاپ سوریه ۲- محل تعویض لباس ورزشکاران- مجرای تهویه هوا- درد و رنج ۳- زبان ترکی- حضورداشتن- به‌طور امانت ۴- کهن‌ترین قسمت اوستا- تپهکاران- گرداگرد دهان ۵- از قبایل مدینه در صدر اسلام- مادربزرگ- شایستگی ۶- هم‌نشین- زاپاس- جایگزین گیاهی گوشت ۷- پیوسته- طرحی برای قالی ایرانی- مرداب



قاعده عدم اعتدا است. این قاعده مستند به آیات عیدیه‌ای از قرآن است و پشتوانه عقلی و عرفی دارد و در اسناد حقوق بشری هم تضمین شده است.

۱۰- اساس قاعده اعتدا، عدالت است. عدالت خود یک قاعده مادر است و

اصل دین هم باید منطبق با آن باشد چه رسد به فقه. آیت‌الله مطهری می‌گوید عدل مقیاس دین است نه دین مقیاس عدل (مطهری۳۰۳اق ص ۱۴) به عبارت دیگر آنچه عدل است دینی است نه اینکه آنچه دین می‌گوید عدل است. عدالت نیز امری عرفی و بین‌الذلهانی است. (درباره اهمیت قاعده عدالت و مستندات آن نگاه کنید به کتاب قاعده عدالت از هادی قایل).

۱۱- گرچه در پروتکل‌های حقوق بشری اصل مجازات اعدام منع شده اما حتی در آن موردی هم که در بند۲ ماده ۶ میثاق بین‌المللی مدنی و سیاسی تجویز موقت شده است، صراحتاً با جواز تعدد در تضاد است و این بند با آیات مذکور و قاعده عدم اعتدا منطبق است. جمهوری اسلامی نیز اسناد حقوق بشر را پذیرفته و به آن متعهد است و از باب وجوب وفای به عهد، مکلف پایبندی به آن است. حتی اگر جمهوری اسلامی این اسناد را نپذیرفته بود هم مرجعیت آن خدشه‌ناپذیر بود.

۱۲- قاعده حرمت تنفیر. این قاعده دلالت دارد بر حرام‌بودن انجام هر عملی که سبب ایجاد تنفر و بی‌زاری از دین و دین‌گریزی شود که تحت عنوان «وهن اسلام» هم از آن یاد شده است.

وقتی شنیده می‌شود در نهانود پس از اعدام سه فرد یادشده، فلذا متهم گردیده و پلیس ضد شورش مستقر می‌شود و اتفاقاً معترضان هم مسلمان و منزجر بودند و آن را عادلانه نمی‌دانستند و شاکي هم با وجود اصرار بر مجازات، پس از اجرای آن خود را از معرض دید خارج کرده است نشان‌دهنده آثار حکم است.

۱۳- اصل احتیاط در عرض و دماء که مستندات قرآنی و روایی و پشتوانه محکم عقلی و انسانی دارد، بر همه احکام حکومت دارد و هراک که دماء، به خطر بیفتد، سایر احکام به احترام آن تعطیل می‌شود. این اصل ایجاب می‌کند که از باب احتیاط هم که شده در بین دو قول جواز و عدم جواز قصاص چند نفر به خاطر یک قتل، قول به عدم جواز اولویت، تقدم و ترجیح پیدا کند.

۱۴- با اصل دوری از مجازات‌ها هم در تضاد است. قاعده مهم و طلایی و انسانی دوری از اجرای مجازات‌ها به هر بهانه ممکن، که برگرفته از سخنی از پیامبر اسلام است و همخوانی شگفتی با گفتمان حقوق ترمیمی دارد می‌گوید: اَنْزَوْا الخُدُوْدَ عَنِ الْمَسْلَمِیْنَ مَا اسْتَطَعْتُمْ، فَاِنْ وُجِدْتُمْ لِلْمَسْلَمِ مَخْرَجًا فَخَلُّوْا سَبِيْلَهُ، فَاِنْ الْاِمْاَمَ لَاَنْ يُخْطَبَ فِی الْعَفْوِ حَبْرٍ مِنْ اَنْ يُخْطَبَ فِی الْعُقُوْبَةِ. تا جایی که می‌توانید حدود و مجازات‌ها را از مسلمانان دور کنید. اگر برای گناهکار، بهانه و راه فراری از مجازات یافتید او را آزاد کنید؛ زیرا اگر امام (حکومت) در بخشیدن خطا کند بهتر است که در کفردادن گرفتار خطا شود.

۱۵ - در هیچ فرازی قرآن مجوز کشتن داده نشده است، به جز قصاص؛ یعنی قتل عمدی که با سوء‌نیت رخ می‌دهد. اما همان‌جا نیز فقط مجوزش را داده و تاکید و توصیه‌اش بر عدم قصاص است. آیات مختلف مثل قطععات پارلی‌اند که باید با هم جور شوند. آنچه ما اکنون از این متن می‌فهمیم، در حقوق مدرن، «حقوق ترمیمی» نام دارد.

ادامه در صفحه ۱۰

		۴		۱	
	۶		۱		۳
۶					۱
		۴	۵		۷
	۶	۷	۸	۱	۴
			۶		
				۱	۹
		۲			
			۱	۲	

◆ سودوکو سخت ۳۴۵۷

زمان پیشنهادی: ۴۰ دقیقه

**قانون‌های حل جدول سودوکو:**

۱- در هر سطر و ستون باید اعداد ۱ تا ۹ نوشته شود. بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.

۲- در هر مربع ۳×۳ اعداد یک تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

◆ سودوکو ساده ۳۴۵۷

زمان پیشنهادی: ۲۰ دقیقه

**سودوکو** Sudoku یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عددهای بی‌تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.

۹	۱	۵	۷	۲	۶	۸	۳	۴
۶	۳	۲	۳	۱	۹	۶	۱	۵
۵	۲	۶	۳	۷	۲	۹	۸	۱
۲	۷	۸	۹	۱	۳	۴	۵	۶
۱	۹	۴	۳	۵	۲	۷	۶	۱
۳	۵	۷	۲	۹	۱	۶	۸	۳
۸	۶	۹	۱	۵	۲	۴	۷	۳
۳	۲	۱	۸	۶	۷	۵	۹	۳

۳	۴	۵	۳	۲	۱	۷	۸	۹
۹	۷	۴	۶	۵	۸	۱	۲	۶
۶	۸	۱	۲	۷	۹	۵	۴	۳
۵	۶	۱	۸	۳	۷	۹	۲	۵
۵	۹	۸	۴	۶	۷	۳	۲	۱
۱	۳	۷	۹	۲	۵	۴	۶	۸
۲	۴	۱	۶	۸	۹	۵	۷	۳
۷	۳	۱	۹	۸	۳	۶	۵	۲
۸	۵	۶	۷	۹	۳	۴	۱	۲

◆ حل جدول ۴۶۶۰

۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱	۴	۳	۲	۱	۵	۴	۳	۲	۱	۶	۵	۴	۳	۲
۲	۱	۵	۴	۳	۲	۱	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۶	۵
۳	۲	۱	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۴	۳	۲	۱	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۶	۵	۴	۳	۲
۵	۴	۳	۲	۱	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۶	۵	۴	۳
۶	۵	۴	۳	۲	۱	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۶	۵	۴
۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۶	۵
۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۶
۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۶	۵	۴	۳	۲
۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۶	۵	۴	۳
۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۶	۵	۴
۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۶	۵
۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۶
۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱

۵- وقتی در آیات قصاص که جواز سلب حیات را در برابر ارتکاب قتل داده و مماثلت را ذکر می‌کند با این حال در مورد قتل عمد تصریح دارد که عفوکردن ترجیح دارد، چنین منطقی چگونه می‌تواند جواز قصاص چند نفر را در برابر یک نفر تحمل کند؟

۶- آیت‌الله خوانساری از فقهای بزرگ معاصر و مخالف جواز قصاص چند نفر در برابر یک نفر بعد از نقل قول مشهور می‌گوید: «ظاهر در عدم خلاف در این است که ولی مقتول مختار است در قصاص همه شرکت‌کنندگان در قتل و رد فاضل دپه آنها و یا قصاص بعضی از آنها» وی پس از اینکه به مستند روایی این قول اشاره می‌کند می‌افزاید «ظاهر کلمات فقها تعمیم حکم است به گونه‌ای که اگر ۱۰۰ نفر یا بیشتر در قتل یک نفر شرکت داشتند ولی مقتول می‌تواند همه را قصاص کند و این قول خالی از اشکال نیست. آیت‌الله خوانساری این قول مشهور را مخالف ظاهر آیه «النفس بالنفس» و آیه‌الحر بالحر» دانسته و اینکه این آیات تخصیص‌بردار نیستند و روایتی را نقل می‌کند که این نظر را خلاف آیه «لاتسرف فی القتل» می‌داند (جامع‌المدارک، ج ۷ ص۱۹۱و۱۹۲).

آیت‌الله منتظری پس از آنکه می‌گوید از نظر صاحب جواهر شرکای قتل در مجموع قاتل نامیده می‌شوند، می‌افزاید «باید توجه داشته باشیم که استدلال صاحب جواهر چندان استوار نیست و خدشه‌پذیر می‌باشد. به دلیل اینکه با منظور ایشان این است که شرکای قتل من حیث المجموع یک قاتل هستند و یا اینکه تک‌تک آنان جداگانه یک قاتل هستند. در هر دو فرض مطلب نادرست است.» سپس استدلال در رد آن را بیان می‌کند (مبانی فقهی حکومت اسلامی، جلد: ۴ ص ۲۱۲) و می‌گوید: «از برخی روایات ما چنین برمی‌آید که قصاص و کشتن بیش از یک نفر در برابر یک نفر جایز نیست، که از آن جمله است روایت «ابوالعباس» و غیر او از امام صادق (ع) که فرموده است: «هرگاه چند نفر گرد آیند و یک نفر را بکشند، قاضی حکم می‌کند که اولیای مقتول هر کدام از آنان را که بخواهند به‌عنوان قصاص بکشند، اولیای مقتول حق ندارند بیش از یک نفر را قصاص کرده و بکشند چراکه خداوند متعال فرموده است: «و من قتل مظلوما فقد جعلنا لولیه سلطانا فلا یسرف فی القتل» یعنی برای اولیای کسانی که به ناحق و مظلومانه کشته می‌شوند، سلطه و حق قصاص قرار داده‌ایم، پس نباید در قتل اسراف شود... در هر صورت فقها و یاران امامیه اجماع دارند که باید این روایت را مطرود گذاشت، (مبانی فقهی حکومت اسلامی، ج : ۴ ص ۲۱۳)

۷- گرچه گفته می‌شود نخستین معیار در ترجیح اخبار و روایات متعارض تمسک به مشهور است چنان‌که فتوای مشهور در میان فقهای اهل سنت نیز همین است (مبانی فقهی حکومت اسلامی، ج : ۴ ص ۲۱۳) ولی همانند امامیه، برخی از علمای اهل سنت نیز می‌گویند: «همان‌گونه که در قتل یک نفر توسط چند نفر، اولیای دم حق گرفتن بیش از یک دیه را ندارند، در قصاص نیز چنین است.»

۸- می‌گویند قول به جواز قصاص چند نفر در برابر یک نفر «قول مشهور» و قول به عدم جواز قول غیرمشهور است اما از نظر شریعت و عدالت مشهور و غیرمشهور بودن ملاک نیست فقط یک اماره است زیرا چه بسیارند اقوال مشهوری که بعدا تبدیل به قول شاذّ و ضعیف‌الاعتبار شدند و اقوال شاذ و غیرمشهوری که معتبر و مشهور و مجری شده‌اند.

۹- جواز تعدد قصاص در تضاد با قاعده اعتدا در فقه است که بیان دقیق‌ترش